

خسته های جاودانی^(۱)

تو، ای آیت کهن سالی
با آرامش بیاسای.
ما خسته ایم، خسته های جاودانی.
ما، هم اینک!
پرهایی باد را می نگریم،
و حس می کنیم آن ردای خیس و کهنه ای که بر ما کشیده اند.

* * *

برادرم،
با آرامش بیارام.
به سپیده ای که بر آمده است از افق،
نگاه نکن!
شمع را بنگر،
چه آهسته آب می شود،
و شعله ی زرد به بدرود می رود.

* * *

رهایمان کن به هیچ،
که ماییم و بی رنگی جنگل های سرسبز!
بی رنگی گل ها، بی رنگی خزه های نم دار!
و بی نسیمی سایه های پهن شده بر زیر درختان!

* * *

رهایمان کن به هیچ،
ما پژمردیم در تحرک یک نواخت و اژدهگان چاپی این رود جا
زشت،
بر سپیدی کاغذ بی انتهای تو.....

نام واقعی او اِزْرا. لومیس EZRA LOOMIS بود. این شاعر
آمریکایی قرن نوزدهمی در سال ۱۸۸۵ متولد و در سال ۱۹۷۲
میلادی چشم از جهان برپست. پانْد هم شاعر است و هم نویسنده.
درعین حال از اِزْرا - پانْد به عنوان یک منتقد ادبی نیز یاد کرده اند.
شعرهای پانْد حال و هوای قرن نوزدهمی و دلهره و اضطراب قرن
بیستمی را در خود جمع کرده است. پانْد در آثارش نشان می دهد
که یک سر و گردن، شاید چند سر و گردن از اطرافیان فرهیخته اش،
فرهیخته تر است.

پانْد از آن گروه از شاعران استثنایی است که ماندن در خارج
از وطن و مسافرت به کشورهای دیگر را برگزیده بود، در حالی که
همیشه به فکر آینده ادبیات سرزمین مادری اش آمریکا بود.

پانْد برای کمک به شاعران جوان و گسترش فکر ادبی در بین
خردورزان ادبی تمام سرزمین ها از هیچ کوششی باز نمی ماند.
آن چنان بزرگوار بود که از خرج و هزینه ی زندگی اش می زد و
کانون های ادبی راه می انداخت، به شاعران جوان کمک می کرد، به
آن ها از شام و غذای خود می بخشید در حالی که خودش نیازمند
بود و به غذا و لباس هایش احتیاج داشت.

پانْد بسیار می کوشید تا آثار نویسنده گان و شاعران جدید را
به چاپ برساند. بر آثار تازه منتشر شده که به کمک خودش چاپ
شده بودند، خودش نقد می نوشت و یا دیگران را وادار می کرد که
بر آن آثار نقد بنویسند. پانْد در گستره کمک های فرهنگی و ادبی
گاهی به حد افراط از خودگذشته گی نشان می داد، تا جایی که
بسیاری از آن هایی که از لطف پانْد برخوردار می شدند، ارزش این
همه مهر و محبت وی را درک نمی کردند.

اِزْرا - پانْد شاید یکی از بزرگ ترین منتقدان شعر و ادبیات
قرن بیستم باشد که قضاوت های وی در مورد ادبیات، راه گشای
بسیاری از پیچیده گی های ادبیات قرن های ۱۷، ۱۸ و ۱۹ میلادی
شد، اما قضاوت وی در مورد انسان ها از نقدی خوش بینانه پیروی
می کرد که در بیش تر موارد با نتیجه ی عکس روبه رو می شد. در
مورد انسان ها قضاوت پانْد بر پایه ی روابط همهانگ و اشتراک
باورهایشان با پانْد متکی بود و نه بر شخصیت علمی، فرهنگی،
ادبی و اخلاقی آن ها. . . . با آوردن قطعه ای از این شاعر بزرگ
آمریکایی در آینده از او سخن زیادتیر خواهیم گفت:

(۱) شعری را که مورد مطالعه قرار می دهید، ترجمه ای است ادبی و اقتباسی
قطعه ای به نام «چشم ها» از اِزْرا. پانْد که مفاهیم شعری بیش تر از ترجمه
واژه به واژه در نظر بوده است.